

رسولان پطرس و یوحنا در حضور شورای یهود

¹ و چون ایشان با قوم سخن می‌گفتند، کهنه و سردار سپاه هیکل و صدوقیان بر سر ایشان تاختند،² چونکه مضطرب بودند از اینکه ایشان قوم را تعلیم می‌دادند و در عیسی به قیامت از مردگان اعلام می‌نمودند.³ پس دست بر ایشان انداخته، تا فردا محبوس نمودند زیرا که آن، وقت عصر بود.⁴ اما بسیاری از آنانی که کلام را شنیدند ایمان آوردند و عدد ایشان قریب به پنج هزار رسید.

⁵ بامدادان رؤسا و مشایخ و کاتبان ایشان در اورشلیم فراهم آمدند،⁶ با حنای رئیس کهنه و قیافا و یوحنا و اسکندر و همه کسانی که از قبیله رئیس کهنه بودند.⁷ و ایشان را در میان بداشتند و از ایشان پرسیدند که: شما به کدام قوت و به چه نام این کار را کرده‌اید؟⁸ آنگاه پطرس از روح القدس پر شده، بدیشان گفت: ای رؤسای قوم و مشایخ اسرائیل، اگر امروز از ما بازپرس می‌شود درباره احسانی که بدین مرد ضعیف شده، یعنی به چه سبب او صحت یافته است،¹⁰ جمیع شما و تمام قوم اسرائیل را معلوم باد که به نام عیسی مسیح ناصری که شما مصلوب کردید و خدا او را از مردگان برخیزانید، در او این کس به حضور شما تندرست ایستاده است.¹¹ این است آن سنگی که شما معماران آن را رد کردید و الحال سر زاویه شده است.¹² و در هیچ کس غیر از او نجات نیست زیرا که اسمی دیگر زیر آسمان به مردم عطا نشده که بدان باید ما نجات یابیم.

¹³ پس چون دلیری پطرس و یوحنا را دیدند و دانستند که مردم بی‌علم و امی هستند، تعجب کردند و ایشان را شناختند که از همراهان عیسی بودند.¹⁴ و چون آن شخص را که شفا یافته بود با ایشان ایستاده دیدند، نتوانستند به ضد ایشان چیزی گویند.¹⁵ پس حکم کردند که ایشان از مجلس بیرون روند و با یکدیگر مشورت کرده، گفتند:¹⁶ که با این دو شخص چه کنیم؟ زیرا که بر جمیع سکنه اورشلیم واضح شد که معجزهای آشکار از ایشان صادر گردید و نمی‌توانیم انکار کرد.¹⁷ لیکن تا بیشتر در میان قوم شیوع نیابد، ایشان را سخت تهدید کنیم که دیگر با هیچ کس این اسم را به زبان نیاورند.¹⁸ پس ایشان را خواسته، قدغن کردند که هرگز

بطرس و یوحنا امام مجمع اليهود

¹ وَبَيْنَمَا هُمَا يُخَاطِبَانِ الشَّعْبَ أَقْبَلَ عَلَيْهِمَا الْكَهَنَةُ وَقَائِدُ جُنْدِ الْهَيْكَلِ وَالصَّدُوقِيُّونَ مُتَصَجِّرِينَ مِنْ تَعْلِيمِهِمَا الشَّعْبَ وَبَدَأَهُمَا فِي يَسُوعَ بِالْفِتَاةِ مِنَ الْأَمْوَاتِ.³ فَالْقُوا عَلَيْهِمَا الْآيَاتِ وَوَضَعُوهُمَا فِي خَبْسٍ إِلَى الْغَدِ لِأَنَّهُ كَانَ قَدْ صَارَ الْمَسَاءُ.⁴ وَكَثِيرُونَ مِنَ الَّذِينَ سَمِعُوا الْكَلِمَةَ آمَنُوا وَصَارَ عَدَدُ الرِّجَالِ تَحَوُّ حَمْسَةِ آلَافٍ.

⁵ وَحَدَثَ فِي الْغَدِ أَنَّ رُؤَسَاءَهُمْ وَشُيُوعَهُمْ وَكَتَبَتَهُمْ اجْتَمَعُوا إِلَى أَوْرَشَلِيمَ مَعَ حَنَانٍ، رَئِيسِ الْكَهَنَةِ، وَقِيفَا وَيُوحَنَّا وَالْإِسْكَنْدَرُ وَجَمِيعِ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ عَشِيرَةِ رُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ، وَلَمَّا أَقَامُوهُمَا فِي الْوَسْطِ، جَعَلُوا يَسْأَلُونَهُمَا: بِأَيِّ قُوَّةٍ وَبِأَيِّ اسْمٍ صَنَعْتُمَا أُنْتُمَا هَذَا؟⁸ حِينَئِذٍ امْتَلَأَ بَطْرُسُ مِنَ الرُّوحِ الْقُدُسِ وَقَالَ لَهُمْ: يَا رُؤَسَاءَ الشَّعْبِ وَشُيُوعَ إِسْرَائِيلَ، إِنْ كُنَّا نَفْخَصُ الْيَوْمَ عَنْ إِحْسَانٍ إِلَى إِنْسَانٍ سَقِيمٍ بِمَاذَا سُفِي هَذَا، فَلْيَكُنْ مَعْلُومًا عِنْدَ جَمِيعِكُمْ وَجَمِيعِ شَعْبِ إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ بِاسْمِ يَسُوعَ الْمَسِيحِ النَّاصِرِيِّ الَّذِي صَلَبْتُمُوهُ أَنْتُمْ، الَّذِي أَقَامَهُ اللَّهُ مِنَ الْأَمْوَاتِ، بِذَلِكَ وَقَفَ هَذَا أَمَامَكُمْ صَحِيحًا.¹¹ هَذَا هُوَ الْحَجَرُ الَّذِي اخْتَقَرْتُمُوهُ، أَنَّهَا الْبُتَاوُونَ، الَّذِي صَارَ رَأْسَ الرَّاوِيَةِ.¹² وَلَيْسَ بِأَحَدٍ غَيْرِهِ الْخَلَّاصُ، لِأَن لَيْسَ اسْمُ آخَرَ تَحْتَ السَّمَاءِ قَدْ أُعْطِيَ بَيْنَ النَّاسِ بِهِ يَنْبَغِي أَنْ تَخْلُصَ.

¹³ فَلَمَّا رَأَوْا مُجَاهَرَةً بِطَرُسَ وَيُوحَنَّا وَوَجَدُوا أَنَّهُمَا إِنْسَانَانِ عَدِيمَا الْعِلْمِ وَغَامِيزَانِ تَعَجَّبُوا، فَعَرَفُوهُمَا أَنَّهُمَا كَانَا مَعَ يَسُوعَ.¹⁴ وَلَكِنْ إِذْ تَطَرُّوا الْإِنْسَانَ الَّذِي سُفِيَ وَاقِفًا مَعَهُمَا لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شَيْءٌ يُتَافَضُونَ بِهِ.¹⁵ فَأَمَرُوهُمَا أَنْ يَخْرُجَا إِلَى خَارِجِ الْمَجْمَعِ وَتَأْمَرُوا فِيمَا بَيْنَهُمَا قَائِلِينَ: مَاذَا تَفْعَلُ بِهِذَيْنِ الرَّجُلَيْنِ؟ لِأَنَّهُ طَاهِرٌ لَجَمِيعِ سُكَّانِ أَوْرَشَلِيمَ أَنَّ آيَةً مَعْلُومَةً قَدْ جَرَتْ بِأَيْدِيهِمَا وَلَا تَقْدِرُ أَنْ تُنْكَرَ.¹⁷ وَلَكِنْ لِيَلَّا تَشِيعَ أَكْثَرُ فِي الشَّعْبِ لِهَذَا هَهُمَا تَهْدِيدًا أَنْ لَا يُكَلِّمَا أَحَدًا مِنَ النَّاسِ فِيمَا بَعْدَ يَهَذَا الْإِسْمِ.¹⁸ فَدَعَوْهُمَا وَأَوْصَوْهُمَا أَنْ لَا يَنْطَلِقَا الْبَتَّةَ وَلَا يُعَلِّمَا بِاسْمِ يَسُوعَ.

¹⁹ فَأَجَابَهُمْ بَطْرُسُ وَيُوحَنَّا وَقَالَا: إِنْ كَانَ حَقًّا أَمَامَ اللَّهِ أَنْ تَسْمَعَ لَكُمْ أَكْثَرَ مِنَ اللَّهِ فَاحْكُمُوا.²⁰ لِأَنَّا نَحْنُ لَا نُمَكِّنَا أَنْ لَا تَتَكَلَّمَ بِمَا رَأَيْنَا وَسَمِعْنَا.²¹ وَبَعْدَمَا هَدَدُوهُمَا أَيْضًا أَطْلَقُوهُمَا إِذْ لَمْ يَجِدُوا الْبَتَّةَ كَيْفَ يُعَاقِبُونَهُمَا بِسَبَبِ

السَّعْبِ، لَأَنَّ الْجَمِيعَ كَانُوا يُمَجِّدُونَ اللَّهَ عَلَى مَا جَرَى.²² لَأَنَّ الْإِنْسَانَ الَّذِي صَارَتْ فِيهِ آيَةُ الشِّفَاءِ هَذِهِ كَانَ لَهُ أَكْثَرُ مِنْ أَرْبَعِينَ سَنَةً.

صلوة الكنيسة في اورشليم

²³ وَلَمَّا أُطْلِقَا آتَيَا إِلَى رُفَقَائِهِمَا وَأَخْبَرَاهُم بِكُلِّ مَا قَالَهُ لَهُمَا رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالشُّيُوعِ.²⁴ فَلَمَّا سَمِعُوا رَفَعُوا بَنَفْسَ وَاحِدَةٍ صَوْتًا إِلَى اللَّهِ وَقَالُوا: أَيُّهَا السَّيِّدُ، أَنْتَ هُوَ إِلَهُهُ الصَّانِعُ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَالْبَحْرَ وَكُلِّ مَا فِيهَا،²⁵ الْقَائِلُ بِقَمِ دَاوُدَ قَتَاكَ: "لِمَاذَا ارْتَجَجْتَ الْأُمَمَ وَتَفَكَّرَ الشُّعُوبُ بِالْبَاطِلِ؟"²⁶ قَامَتْ مُلُوكُ الْأَرْضِ وَاجْتَمَعَ الرُّؤَسَاءُ مَعًا عَلَى الرَّبِّ وَعَلَى مَسِيحِهِ.²⁷ لِأَنَّهُ بِالْحَقِيقَةِ اجْتَمَعَ عَلَى قَتَاكَ الْفُدُّوسُ، يَسُوعُ، الَّذِي مَسَخَّنَهُ، هِيرُودُسُ وَبِيلَاطُسُ الْبَنْطِيُّ مَعَ أُمَمٍ وَشُعُوبِ إِسْرَائِيلَ²⁸ لِيَفْعَلُوا كُلَّ مَا سَبَقَتْ فَعَيْتُ يَدُكَ وَمَسُورَتُكَ أَنْ يَكُونَ.²⁹ وَالْآنَ، يَا رَبُّ، انْظُرْ إِلَى تَهْدِيدَاتِهِمْ وَامْتَحِ عَيْدَكَ أَنْ يَتَكَلَّمُوا بِكَلَامِكَ بِكُلِّ مُجَاهَرَةٍ بِمَدِّ يَدِكَ لِلشِّفَاءِ وَلِنَجَرِ آيَاتٍ وَعَجَائِبٍ بِاسْمِ قَتَاكَ الْفُدُّوسِ، يَسُوعِ.³¹ وَلَمَّا صَلُّوا تَرَعَّرَعَ الْمَكَانُ الَّذِي كَانُوا مُجْتَمِعِينَ فِيهِ، وَامْتَلَأَ الْجَمِيعُ مِنَ الرُّوحِ الْقُدُسِ وَكَانُوا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامِ اللَّهِ بِمُجَاهَرَةٍ.

تَشَارُكُ الْكَنِيسَةِ فِي أُورُشَلِيمَ

³² وَكَانَ لِمُجْمُوعِ الَّذِينَ آمَنُوا قَلْبٌ وَاحِدٌ وَنَفْسٌ وَاحِدَةٌ، وَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ يَقُولُ إِنَّ سَيِّئًا مِنْ أَمْوَالِهِ لَهُ بَلْ كَانَ عِنْدَهُمْ كُلُّ شَيْءٍ مُشْتَرَكًا.³³ وَبِقُوَّةِ عَظِيمَةٍ كَانَ الرُّسُلُ يُؤَدُّونَ الشَّهَادَةَ بِقِيَامَةِ الرَّبِّ يَسُوعَ وَبِعَمَّةِ عَظِيمَةٍ كَانَتْ عَلَى جَمِيعِهِمْ.³⁴ إِذْ لَمْ يَكُنْ فِيهِمْ أَحَدٌ مُحْتَاجًا لِأَنَّ كُلَّ الَّذِينَ كَانُوا أَصْحَابَ حُقُولٍ أَوْ بُيُوتٍ كَانُوا يَبِيعُونَهَا وَيَأْتُونَ بِأَتْمَانِ الْمِيعَاتِ³⁵ وَيَضَعُونَهَا عِنْدَ أَرْجُلِ الرُّسُلِ فَكَانَ يُوزَعُ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ كَمَا يَكُونُ لَهُ حَاجَةٌ.³⁶ وَيُوسُفُ، الَّذِي دُعِيَ مِنَ الرُّسُلِ بَرْتَابَا، الَّذِي يُتَرَجَّمُ: ابْنُ الْوَعْظِ، وَهُوَ لَوِيُّ قُبْرَسِيِّ الْجِنْسِ،³⁷ إِذْ كَانَ لَهُ حَقْلٌ بَاعَهُ وَأَتَى بِالذَّهَابِ وَوَضَعَهَا عِنْدَ أَرْجُلِ الرُّسُلِ.

نام عیسی را بر زبان نیاورند و تعلیم ندهند.

¹⁹ اما پطرس و یوحنا در جواب ایشان گفتند: اگر نزد خدا صواب است که اطاعت شما را بر اطاعت خدا ترجیح دهیم، حکم کنید.²⁰ زیرا که ما را امکان آن نیست که آنچه دیده و شنیده ایم، نگوئیم.²¹ و چون ایشان را زیاد تهدید نموده بودند، آزاد ساختند چونکه راهی نیافتند که ایشان را معذب سازند به سبب قوم زیرا همه به واسطه آن ماجرا خدا را تمجید می نمودند.²² زیرا آن شخص که معجزه شفا در او پدید گشت، بیشتر از چهل ساله بود.

کلیسائیانی در اورشلیم دعا می کنند

²³ و چون رهایی یافتند، نزد رفقای خود رفتند و ایشان را از آنچه رؤسای کهنه و مشایخ بدیشان گفته بودند، مطلع ساختند.²⁴ چون این را شنیدند، آواز خود را به یکدل به خدا بلند کرده، گفتند: خداوند، تو آن خدا هستی که آسمان و زمین و دریا و آنچه در آنها است آفریدی،²⁵ که به وسیله روح القدس به زبان پدر ما و بنده خود داود گفتی: چرا اُمّت ها هنگامه می کنند و قومها به باطل می اندیشند؟²⁶ سلاطین زمین برخاستند و حکام با هم مشورت کردند، برخلاف خداوند و برخلاف مسیحش.²⁷ زیرا که فی الواقع بر بنده قدّوس تو، عیسی، که او را مسح کردی، هیرودیس و بنطیوس پیلطس با اُمّت ها و قومهای اسرائیل با هم جمع شدند،²⁸ تا آنچه را که دست و رأی تو از قبل مقدّر فرموده بود، بجا آورند.²⁹ و الانای، خداوند، به تهدیدات ایشان نظر کن و غلامان خود را عطا فرما تا به دلیری تمام به کلام تو سخن گویند،³⁰ به دراز کردن دست خود، بجهت شفا دادن و جاری کردن آیات و معجزات به نام بنده قدّوس خود، عیسی.³¹ و چون ایشان دعا کرده بودند، مکانی که در آن جمع بودند به حرکت آمد و همه به روح القدس پر شده، کلام خدا را به دلیری می گفتند.

مشارکت کلیسائیانی در اورشلیم

³² و جمله مؤمنین را یک دل و یک جان بود، به حدّی که هیچ کس چیزی از اموال خود را از آن خود نمی دانست، بلکه همه چیز را مشترک می داشتند.³³ و رسولان به قوّت عظیم به قیامت عیسی خداوند شهادت می دادند و فیضی عظیم بر همگی ایشان بود.³⁴ زیرا هیچ کس از آن گروه محتاج نبود زیرا هر که

صاحب زمین یا خانه بود، آنها را فروختند و قیمت مبیعات را آورده،³⁵ به قدمهای رسولان می‌نهادند و به هر یک بقدر احتیاجش تقسیم می‌نمودند.³⁶ و یوسف که رسولان او را برنابا، یعنی ابن‌الوعظ لقب دادند، مردی از سبط لاوی و از طایفه قهرسی،³⁷ زمینی را که داشت فروخته، قیمت آن را آورد و پیش قدمهای رسولان گذارد.